



کتاب درسی زیر ذره بین

عربی ۲

پایه یازدهم

رشته‌های علوم تجربی - ریاضی و فیزیک

تألیف:

عباس دادخواه

انتشارات
کتاب آموزشی پیشرو



خراموش نَنیم

خیلی خیلی

کتاب درسی مهم است...

تقدیم به نگاه عمیق شما...

مقدمه مؤلف

تقدیم به ساحت مقدّس امام رؤوف، حضرت رضا علیه السلام

امید که با خلوص نیت باشد و مقبول حضرتش

دوستان نادیده‌ام، دانش‌آموزان پایه یازدهم (گروه ریاضی فیزیک و علوم تجربی) درود و عرض احترام؛ این نوشتار از مجموعه کتاب‌های زیر ذره‌بین، ویژه درس «عربی زبان قرآن ۲» می‌باشد. خداوند را شاکرم که این فرصت را روزی بنده کرد تا از این طریق در خدمت شما دوستان خوبم باشم.

این نوشتار (اگر مقبول خداوند متعال باشد)؛ با نیت هدایت علمی شما و همچنین فراهم آوردن مجالی مناسب برای یادگیری دقیق و مشکافانه کتاب عربی پایه یازدهم به منظور کسب نتیجه‌ای شایسته در امتحانات نهایی تألیف شده است. مایه مباهات و خرسندی مجموعه نشر «کاپ» و هم‌چنین اینجانب به عنوان مؤلف اثر است که بتوانیم نقش مؤثری در این راستا داشته باشیم.

این نوشتار بر پایه اهداف زیر به رشته تحریر درآمده است؛

«استفاده از تصویر صفحات کتاب درسی از ابتدا تا انتها و تحلیل کلیه عبارت‌های آن در بخش‌های مختلف از متن درس تا بخش تمرینات از جنبه‌های مختلف و متناسب با هر قسمت.

«ارائه درسنامه‌ای مفید و در عین حال مختصر در راستای اهداف آموزشی کتاب درسی و انتظارات مورد نظر طراحان سؤالات امتحان نهایی و پرهیز از اضافه‌گویی در بیان مطالب.

«ترجمه واژه به واژه متن درس و سپس ترجمه روان سطر به سطر آن و همچنین ترجمه روان کلیه عبارت‌های بخش «إِخْتِیرْ نَفْسْک»، «إِغْلَمُوا»، «الحوار» و تمرینات کتاب درسی.

«نشانه‌گذاری واژه‌های مهم متن درس و همچنین عبارت‌های بخش «إِخْتِیرْ نَفْسْک»، «إِغْلَمُوا» و تمرینات کتاب درسی و ارائه مترادف، متضاد و جمع مکسر آن‌ها.

«بررسی «المحلّ الإعرابی» یا همان نقش دستوری واژگان متن درس و عبارت‌های بخش «إِغْلَمُوا»، «إِخْتِیرْ نَفْسْک» و تمرینات کتاب درسی.

«ارائه آزمون شبه‌نهایی [حاوی سؤالات تألیفی و همچنین استفاده از سؤالات استان‌های مختلف کشور در سال‌های گذشته و سؤالات آزمون نهایی مرتبط با هر درس] به همراه پاسخ تشریحی در پایان هر درس.

در پایان از خداوند سبحان خواستارم تا به ما توفیق دهد تا در کسب نتیجه‌ای مطلوب و بسیار شایسته در امتحان نهایی درس «عربی ۲» یار صدیق و همراه مؤثری برایتان باشیم.

بدون تردید این نوشتار عاری از نقد نیست؛ از این رو با افتخار پذیرای دیدگاه‌ها، انتقادها و پیشنهادهای کلیه اساتید محترم، همکاران گرامی و شما دوستان خوبم در سراسر ایران‌زمین که این کتاب را برای آمادگی هرچه بیش‌تر در امتحان نهایی انتخاب کرده‌اید، خواهیم بود.

همچنین باعث خرسندی است که از نقش و تأثیر این نوشتار در میزان موفقیت‌تان در پاسخ به سؤالات این درس در امتحان نهایی، ما را مطلع سازید.

در پایان از حسن اعتماد مدیریت محترم نشر «کاپ» جناب آقای سید احمد موسوی و هم‌چنین جناب آقای مصطفی پویان که در پدید آوردن این نوشتار به بنده داشتند، تشکر می‌نمایم. هم‌چنین از حروفچینی جناب آقای جواد جعفریان و همراهی‌های صبورانه، مؤثر و حرفه‌ای مدار سرکار خانم منصوره سعیدآبادی در صفحه‌آرایی و سلیقه ستودنی‌شان در طراحی بصری صفحات این نوشتار که از هیچ کوششی در انجام مسؤولیت‌شان دریغ نکردند، تشکر می‌نمایم.

... و توفیق فقط از جانب پروردگار مهربان است

عبّاس دادخواه

سخنی با شما

بالاخره پس از سال‌ها، تغییری بنیادین در نحوه پذیرش دانشجوی و آزمون کنکور سراسری اتفاق افتاده است؛ دروس عمومی از کنکور حذف شده و سابقه تحصیلی سه ساله دانش‌آموزان؛ ۶۰ درصد از امتیاز ورود به دانشگاه را تشکیل خواهد داد! عدد بزرگی است و به هیچ وجه قابل چشم‌پوشی نیست. در حقیقت، مسئولین تصمیم‌گیرنده به صورت کاملاً زیرکانه و احتمالاً کارشناسی شده، نه تنها باعث بازگشت اهمیت و جایگاه کتاب‌های درسی شدند بلکه به صورت غیرمستقیم، نقش دروس عمومی را در کنکور بسیار پراهمیت کردند! واقعیت غیرقابل کتمان این است که کتاب درسی مهم است؛ شاید خیلی بیشتر از آنچه که تاکنون تصور می‌کردیم!

با کتاب‌های درسی زیرذره‌بین چه اهدافی را دنبال می‌کنیم؟

۱) یکی از مهم‌ترین مشکلات دبیران، نداشتن زمان کافی برای تدریس همه ریزه‌کاری‌های کتاب درسی است. کتاب‌های درسی زیرذره‌بین، فرصت کافی به دبیران می‌دهد تا با تکمیل مطالب کتاب درسی، کیفیت آموزش خود را تا سطح عالی ارتقا دهند. در آینده‌ای نه چندان دور به دلیل تغییر در سبک پذیرش کنکور با انبوهی از اعتراض‌های خانواده‌ها مواجه خواهیم شد که بار سنگین کم‌کاری‌های فرزندان را به دوش معلم خواهند انداخت! طبیعی است که مدیران مدارس هم برای آرام کردن این خیل عظیم خانواده‌های معترض، لبه تیز انتقاد را به طرف معلم بگیرند، اینجاست که داشتن مجموعه‌ای کامل، فارغ از شلوغ‌کاری‌های کتاب‌های کمک آموزشی مورد غضب آموزش و پرورش (و البته جزوات جورواجور موجود در فضای مجازی)، می‌تواند علاوه بر این که دامنه اعتراض‌ها را به حداقل برساند، در بالا بردن کیفیت آموزش و پیشگیری قبل از درمان به شدت مؤثر باشد. کتاب‌های درسی زیرذره‌بین، از زوایای مختلف دارای این ویژگی‌های منحصر به فرد است و خیال دانش‌آموز، دبیر و مدرسه را کاملاً راحت می‌کند.

۲) کتاب‌های درسی زیرذره‌بین، با نگاهی موشکافانه به تحلیل، بررسی و جانمایی سؤالات امتحانات نهایی، شبه نهایی و هماهنگ استانی می‌پردازد و تلاش می‌کند ذهن دانش‌آموز را به نکات کلیدی و پراهمیتی که طی سالیان گذشته مورد توجه طراحان مختلف بوده است جلب نماید. در این راستا، تفکیک سؤالات آزمون‌های مختلف بر اساس فصل‌های کتاب درسی و نیز جانمایی این سؤالات در لابه‌لای صفحات از ویژگی‌های بارز تألیف و تدوین این کتاب‌هاست. بدیهی است که تعداد سؤالات آزمون‌های نهایی در پایه دوازدهم بیش از پایه‌های یازدهم و دهم باشد. در پایه‌های دهم و یازدهم از خزانه سؤالات سال‌های گذشته استان‌ها استفاده شده است.

۳) در تألیف کتاب‌های زیرذره‌بین تلاش شده است تا به بخشی از مطالب کتاب‌های درسی که نیاز به توضیح و تفسیر بیشتری داشت، نگاه ویژه‌ای داشته باشیم. در این موارد اگر فضای کافی در حاشیه کتاب درسی وجود نداشت، صفحه‌ای جداگانه به کتاب اضافه شده است تا مؤلف بتواند تمام نیازهای احتمالی را برطرف کند. در روند کلی تألیف این مجموعه کتاب‌ها سعی شده است چهره کلی کتاب درسی محفوظ بماند تا هنگام مطالعه تداعی کننده کتاب درسی باشد.

۴) معمولاً اولین سؤالی که دانش‌آموزان در آغاز سال تحصیلی از دبیران می‌پرسند این است که: استاد، از کدام کتاب کمک آموزشی استفاده کنیم؟!

برای پاسخ به این پرسش، هر دبیری ممکن است کتاب مورد نظر خودش را معرفی کند و دانش‌آموزان با انبوهی از کتاب‌های غیراستاندارد و بعضاً قدیمی موجود در بازار مواجه می‌شوند و اعتماد لازم را نخواهد داشت. کتاب درسی زیرذره‌بین، این ویژگی بارز را دارد که خیال همه را راحت می‌کند؛ مگر می‌شود به سادگی از کنار کتاب درسی گذشت! مگر می‌توان کتاب درسی را عمیق و دقیق مطالعه نکرد!

در تدوین این کتاب تلاش بسیار شده است تا تمام ریزه‌کاری‌های متن کتاب درسی به بهترین حالت ممکن مقابل دیدگان دانش‌آموزان قرار گیرد؛ ریزه‌کاری‌هایی که معمولاً از چشم دانش‌آموزان پنهان می‌ماند و فقط با ذره‌بین یک مدرس کارگشته قابل دیدن است!

خلاصه این که کتاب‌های درسی زیرذره‌بین، تفاوت بین «دیدن» و «نگاه کردن» است و شما با انتخاب این کتاب، یک تیر و چند نشان خواهید زد!...

مصطفی پویان

مدیر پروژه کتاب‌های درسی زیرذره‌بین

فهرست

۱	الدَّرْسُ الْوَلَدُ : مِنْ آيَاتِ الْإِخْلَاقِ
۱۸-۱	أَرْمُونُ ۱
۱۸-۳	بَاسْخُ أَرْمُونِ ۱
۱۹	الدَّرْسُ الثَّانِي : فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ
۳۲-۱	أَرْمُونُ ۲
۳۲-۳	بَاسْخُ أَرْمُونِ ۲
۳۳	الدَّرْسُ الثَّلَاثُ : عَجَائِبُ الْأَشْجَارِ
۴۸-۱	أَرْمُونُ ۳
۴۸-۴	بَاسْخُ أَرْمُونِ ۳
۴۹	الدَّرْسُ الرَّابِعُ : آدَابُ الْكَلَامِ
۶۲-۱	أَرْمُونُ ۴
۶۲-۴	بَاسْخُ أَرْمُونِ ۴
۶۳	الدَّرْسُ الْخَامِسُ : الْكِذْبُ
۷۴-۱	أَرْمُونُ ۵
۷۴-۴	بَاسْخُ أَرْمُونِ ۵
۷۵	الدَّرْسُ السَّادِسُ : أَنَّهُ مَارِي شَيْمِلُ
۸۸-۱	أَرْمُونُ ۶
۸۸-۴	بَاسْخُ أَرْمُونِ ۶
۸۹	الدَّرْسُ السَّابِعُ : تَأْثِيرُ الْفَارْسِيَّةِ عَلَى الْلُغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
۱۰۱-۱	أَرْمُونُ ۷
۱۰۱-۴	بَاسْخُ أَرْمُونِ ۷
۱۰۱-۵	سُؤَالَاتُ امْتِحَانِ نَهَائِي خَرْدَادِمَاهِ ۱۴۰۳
۱۰۱-۸	بَاسْخُنَامَةُ تَشْرِيحِ سُؤَالَاتِ امْتِحَانِ نَهَائِي خَرْدَادِمَاهِ ۱۴۰۳

که را ز نتخی بود در سرشت
نمیزد ز طاووس جز پای زشت

(سعدی)



الَّذِينَ آمَنُوا



﴿... يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا﴾

اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ... ﴿الْحُجُرَات: ١٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده اید، از بسیاری از گمان ها پرهیزید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ اجْتَنِبُوا

= اِنْتَعَرُوا «دور شوید» ≠
اِقْتَرَبُوا «نزدیک شوید»

آموزش قواعد و فن ترجمه اسم تفضیل و اسم مکان

◉ اسم تفضیل

کاربرد: در زبان عربی برای بیان کسی نسبت به کسی یا کسانی و همچنین برتری چیزی نسبت به چیزی یا چیزهایی از اسم تفضیل استفاده می‌شود. در واقع **اسم تفضیل** معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است. مثال: رحیم (مهربان) ← ارحم: مهربان‌تر، مهربان‌ترین

◉ روش تشخیص اسم تفضیل:

اسم تفضیل برای جنس **مُذْکَر** و **مؤنث** به صورت زیر به کار می‌رود.

۱) برای **مُذْکَر** با الگوهایی بر وزن: **أَفْعَل / أَفَل / أَفْلَى**

مثال: أَفْضَل (بر وزن أَفْعَل): برتر، برترین / أَجْمَل (بر وزن أَفْعَل): زیباتر، زیباترین

مثال: أَهْم (بر وزن أَفَل): مهم‌تر، مهم‌ترین (در اصل «أَهَمُّ» بر وزن «أَفْعَل» بوده و دو حرف «م» درهم ادغام شده.)

أَشَدَّ (بر وزن أَفَل): سخت‌تر، سخت‌ترین (در اصل «أَشَدَّد» بر وزن «أَفْعَل» بوده و دو حرف «ش» درهم ادغام شده.)

مثال: أَعْلَى (بر وزن أَفْلَى: والاتر، والاترین) / أَعْلَى (بر وزن أَفْلَى: گران‌تر، گران‌ترین)

۲) برای **مؤنث** بر وزن (فُعْلَى)

مثال: كُبْرَى (بر وزن فُعْلَى): بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین / حُسْنَى (بر وزن فُعْلَى): نیکوتر، نیکوترین

توجه (۱)

جمع اسم تفضیل «أَفْعَل» غالباً بر وزن «أَفَاعِل» به کار می‌رود.

مثال: أَكْبَر [جمع: أَكْبَر] / أَفْضَل [جمع: أَفَاضِل]

توجه (۲)

کلمات «خَيْر» و «شَر» علاوه بر معنای «خوب، خوبی» و «بد، بدی» می‌توانند به معنای اسم تفضیل «خوب‌تر - خوب‌ترین» و «بدتر - بدترین» نیز به کار روند به شرط این‌که «أَل - الف و لام» نداشته باشند و معنای «تر، ترین» بدهند.

مثال: خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا (بهترین کارها میانه‌ترین آن‌ها است)

کلمه «فَيْر» در کلمه «أَوْسَط»

معنای اسم بر وزن «أَفْعَل»

تفضیل است. اسم

تفضیل مُذْکَر

مثال: شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ، و ... (بدترین مردم کسی است که به امانت - امانت‌داری - اعتقاد ندارد)

کلمه «شَر» در معنای اسم تفضیل

مثال: الْخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ (خیر در چیزی است که رخ داد - رخ می‌دهد)

کلمه «الفیر» با «الف و لام» به کار رفته و معنای اسم تفضیل نمی‌دهد.

مثال: يا أخی خَيْرُكَ كَثِيرٌ (ای برادرم، خوبی تو زیاد است)

اگرچه کلمه «فَيْر» «الف و لام» ندارد ولی در مفهوم «برتری» به کار نرفته لذا اسم تفضیل نیست.

توجه (۳)

توجه داشته باشید که کلمه «آخِر» در اصل «أَخَر» بر وزن «أَفْعَل» به معنای «دیگری» است و برخلاف معنای ظاهری آن **اسم تفضیل** محسوب می‌شود.

توجه (۴)

«فن ترجمه اسم تفضیل»

حالت (۱): اگر بلافاصله بعد از اسم تفضیل حرف جرّ «مِنْ» بیاید، باید اسم تفضیل را به صورت «صفت برتر» ترجمه کنیم.
مثال: هو أَعْلَمُ مِنک (او آگاه‌تر از تو است)

أَعْلَمُ + حرف جرّ «مِنْ»

حالت (۲): اگر بلافاصله بعد از اسم تفضیل، مضاف‌الیه بیاید، باید اسم تفضیل را به صورت «صفت برترین» ترجمه کنیم.
مثال: أخی أَفْضَلُ الطُّلَابِ فی مَدْرِستِهِ (برادرم برترین دانش‌آموزان در مدرسه‌اش است)

اسم تفضیل + مضاف‌الیه

توجه (۵)

دقت کنید که موارد زیر اگرچه ظاهراً بر وزن «أَفْعَل» می‌باشند ولی اسم تفضیل نیستند. لذا آن‌ها را با اسم تفضیل اشتباه نگیرید.
۱) کلماتی که بیانگر «رنگ» هستند.

أَخْضَرُ «سبز»، أَحْمَرُ «سرخ»، أَبْيَضُ «سفید»، أَسْوَدُ «سیاه»، أَصْفَرُ «زرد»، أَزْرَقُ «آبی»

۲) فعل ماضی باب «إِفعال» صیغه «مفرد مذکر غائب»

مثال: أكرم الطُّلَابُ مُعَلِّمَهُم (دانش‌آموزان معلم‌شان را گرامی داشتند)

فعل ماضی باب إفعال

۳) فعل امر باب «إِفعال» صیغه «مفرد مذکر مخاطب»

مثال: أَحْسِنْ إلى الفقراء (به فقیران خوبی کن)

فعل امر باب إفعال

توجه (۶)

هنگام مقایسه بین دو اسم مؤنث، اگر بعد از اسم تفضیل حرف جرّ «مِنْ» و اسم بدون «الف و لام» بیاید، اسم تفضیل بر همان وزن «أَفْعَل» به کار می‌رود.

مثال: فاطمة أكبرُ مِنْ زينب

مثال: فاطمة أكبرُ أولادٍ فی أُسْرَتِها

اسم مکان

تعریف: اسم مکان بر «مکان» دلالت دارد، ولی نکته مهم این است که هر اسمی که بیانگر یک محل یا اسم یک مکان باشد، الزاماً «اسم مکان» محسوب نمی‌شود، بلکه شرط مهم و اصلی اسم مکان بودن این است که بر یکی از وزن‌های: «مَفْعَل»، «مَفْعِل»، «مَفْعَلَةٌ»، «مَفَال» و «مَفَاعِل» به کار رفته باشد.

مثال: دَهَبْنَا إلى المَلْعَبِ (به ورزشگاه رفتیم) / رَأَيْتُ صَدِيقِي فی المَسْجِدِ (دوستانم را در مسجد دیدم)

اسم مکان بر وزن «مَفْعَل»

اسم مکان بر وزن «مَفْعِل»

مثال: کانَ بابُ المَدْرِسَةِ مفتوحاً (درب مدرسه باز بود) / وَصَلَ المَسَافِرُونَ إلى المطَارِ (مسافران به فرودگاه رسیدند)

اسم مکان بر وزن «مَفْعَلَةٌ»

اسم مکان بر وزن «مَفَال»

توجه (۷)

جمع اسم مکان بر وزن «مَفَاعِل» به کار می‌رود.

مثال: مَنَازِلُ «مغازه» [جمع: مَنَازِل]

مثال: مَنَازِلُ «خانه» [جمع: مَنَازِل]

مثال: مَكْتَبَةٌ «کتابخانه» [جمع: مَكاتب]

توجه (۸)

هر کلمه‌ای بر وزن «مَفَاعِل» الزاماً اسم مکان نیست؛ بلکه باید معنای اسم مکان بدهد و در حالت مفرد، بر یکی از وزن‌های «مَفْعَل»، «مَفْعِل»، «مَفْعَلَةٌ» و «مَفَال» باشد. مانند: مَسَائِل (مفرد: مَسْأَلَة - اسم مکان نیست)

توجه

در متن هر درس، کلماتی که با هاشور به رنگ مشخص شده‌اند دارای نکات قواعدی هستند که بعد از ترجمه روان متن، در بخشی جداگانه به آن اشاره شده است.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ

= رُوُوف «مهربان»

مفرد: بِاللَّقَبِ «لقب»

≠ رِیَال «مردان»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از آیات اخلاق

ایمان آورده‌اید جماعه «گروهی» به نام خداوند بفرشته مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ ۚ وَلَا نِسَاءٌ

ای کسانی که نباید مسخره کند گروهی گروهی شاید که باشند بهتر از اینان و نه زنانی

مفرد: نَفْس «فرد، جان»

مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ ۚ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ ۚ

از زنانی شاید که باشند بهتر از اینان و عیب نگیرید (از) خودتان و به یکدیگر لقب‌های زشت نرھید

بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ يَتَّبِعْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۚ

بد است نام آلوده شدن پس ایمان و هر توبه نلند پس آنان همان ستمگران (اند) ای

الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ۚ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ ۚ وَلَا تَجَسَّسُوا ۚ وَلَا يَغْتَبِ

کسانی که ایمان دوری کنید بسیاری از گمان زیرا برخی گمان گناه و تجسس نکنید و نباید غیبت کند

(جاسوسی نکنید) (کنید)

بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ ۚ أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا ۚ فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ

یکدیگر یکدیگر آیا دوست کسی از شما که بخورد گوشت برادرش مرده پس ناپسند می‌شمارید

(می‌دارید) آن را

وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ۚ

و پروا کنید خدا زیرا خدا بسیار مهربان توبه‌پذیر



مفرد: غَيْب

قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعدَ عَنِ الْعُجْبِ ۚ وَأَنْ لَا نَذْكُرَ عُيُوبَ

گاهی می‌باشد میان مردم کسی او بهتر از ما پس بر ما که دور شویم از خودپسندی و اینکه یاد نکنیم عیب‌ها لازم است که

الْآخِرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعُيُوبِ أَنْ تَعِيبَ

دیگران با سخن پنهانی یا با اشاره‌ای پس فرموده امیر مؤمنان علی (ع) بزرگ‌ترین عیب این که عیب‌جویی کنی

مَا فِيكَ مِثْلُهُ».

آنچه در تو مانند آن (چیزی)

= أَعْظَم «بزرگ‌ترین» ≠ أَصْغَر «کوچک‌ترین»

که از دشمنی بدتر سرشت نیز از طاعت بدتر زشت



ترجمه

- ۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید گروهی [از شما] گروهی [دیگر] را مسخره کند، شاید آن‌ها بهتر از این‌ها باشند.
- ۲ (و نه) و نباید زنانی، زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید که آنها بهتر از این‌ها باشند.
- ۳ و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید.
- ۴ (چه) بد است نام آلوده شدن به گناه پس از ایمان.
- ۵ و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمگران هستند.
- ۶ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید.
- ۷ زیرا برخی گمان‌ها گناه است.
- ۸ و جاسوسی نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید.
- ۹ آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادرش را که مُرده است، بخورد؟
- ۱۰ پس آن را ناپسند می‌دارید (پس از آن کراهت دارید)
- ۱۱ و از خدا پروا کنید (تقوای الهی پیشه کنید)
- ۱۲ زیرا که خداوند بسیار توبه‌پذیر [و] مهربان است.
- ۱۳ گاهی میان مردم کسی است که از ما بهتر می‌باشد.
- ۱۴ پس باید از خودپسندی دور شویم (پس بر ماست که از خودپسندی دور شویم)
- ۱۵ و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهانی یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.
- ۱۶ پس، امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: بزرگ‌ترین عیب آن است که از آن‌چه که همانند آن در تو است، عیب‌جویی کنی.

قواعد

- ۱ اَمَنُوا: [فعل ماضی «ایمان آوردند» / معنای آن در این عبارت «ایمان آورده‌اید، ایمان آوردید»] خیراً: [اسم تفضیل]
- ۳ لَا تَلْمِزُوا: [فعل نهی / جمع مذکر مخاطب / فاعل آن «ضمیر «واو»] أَنْفُسَ: [مفعول] كُمْ: [مضاف‌إلیه]
- لَا تَنَابَزُوا: [لا تنابزوا] فعل نهی / فاعل آن: ضمیر «واو»
- ۵ لَمْ يَتَّبِعْ: [فعل مضارع / توجّه: «لم + مضارع» = ماضی منفی ساده یا نقلی / توجه: در این عبارت به صورت مضارع التزامی «توبه نکند» ترجمه می‌شود] أُولَئِكَ: [مبتدا] الظَّالِمُونَ: [خبر]
- ۶ اجْتَنِبُوا: [فعل امر / جمع مذکر مخاطب / باب إفعال / فاعل آن: ضمیر «واو»] كَثِيرًا: [مفعول فعل «اجتنبوا»]
- مِنَ الظَّنِّ: [جار و مجرور]
- ۸ لَا تَجَسَّسُوا: [لا تجسسوا] فعل نهی / فاعل آن: ضمیر «واو» لَا يَغْتَبْ: [فعل نهی / مفرد مذکر غائب]
- بَعْضُ: [فاعل] كُمْ: [مضاف‌إلیه] بَعْضًا: [مفعول فعل «لا يغتتب»]
- ۹ يُحِبُّ: [فعل مضارع / مفرد مذکر غائب / باب إفعال «در اصل: يُحِبُّ» بوده] أَحَدُ: [فاعل]
- كُمْ: [مضاف‌إلیه] لَحْمٍ: [مفعول فعل «أَنْ يَأْكُلَ»]
- ۱۰ كَرِهْتُمُوهُ: [در اصل «كرهتُم + ه» بوده] فاعل آن: ضمیر «تُم» / ه: [مفعول]
- ۱۱ اتَّقُوا: [فعل امر / جمع مذکر مخاطب / فاعل آن: ضمیر «واو»] الله: [مفعول فعل «اتقوا»]
- ۱۲ تَوَابٌ: [اسم مبالغه]
- ۱۳ قَدْ يَكُونُ: [«قد» بر سر فعل مضارع به معنای «گاهی»، «شاید»، «به ندرت» است] النَّاسُ: [مضاف‌إلیه]
- هُوَ: [مبتدا] أَحْسَنُ: [خبر] مِنَّا: [جار و مجرور / مِن + نا]
- ۱۴ عَنِ الْعُجْبِ: [جار و مجرور]
- ۱۵ عِيُوبٌ: [مفعول فعل «أَنْ لَا تَذْكُرْ»] الْأَخْرَبِينَ: [مضاف‌إلیه] بِكَلَامٍ: [جار و مجرور]
- خَفَى: [صفت] بِإِشَارَةٍ: [جار و مجرور]
- ۱۶ أَكْبَرُ: [«اسم تفضیل» / مبتدا] الْعَيْبِ: [مضاف‌إلیه] أَنْ تَعْيِبَ: [خبر]
- ما: [مفعول فعل «أَنْ تَعْيِبَ»] فَيْكَ: [جار و مجرور]

تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَتَقُولُ: لَا تَعِيبُوا الْآخِرِينَ. وَلَا تُلَقِّبُوهُمْ بِالْأَقَابِ يَكْرَهُونَهَا. ^{۱۸}
 پند می‌دهد به ما آیه اول و می‌گوید عیب‌جویی دیگران و لقب نهید به لقب‌هایی ناپسند می‌شمارند آن‌ها را
 نلنید آنان را

بِئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ. ^{۱۹}
 (چه) بد است کار آلوده شدن و هرکس انجام آن پس او از ستمگران
 به گناه دهد

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ: ^{۲۱}
 بنابراین پس حرام کرده خداوند متعال در این دو آیه
 است

الِاسْتِهْزَاءِ بِالْآخِرِينَ، وَ تَسْمِيَتِهِمْ ^{۲۲}
 ریشخند کردن (مسخره کردن) دیگران و نامیدن آنان

بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ. ^{۲۲}
 با نام‌های زشت = الکبریّه: زشت

سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ ^{۲۳}
 برگمانی و آن تهمت شغفی به شغفی دیگر

بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ. ^{۲۳}
 بدون دلیلی منطقی
 مفرد: «راز»

الْتَّجَسُّسِ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةُ قَبِيحَةٍ لِكَشْفِ أَسْرَارِ ^{۲۴}
 جاسوسی کردن و آن کوششی زشت برای آشکار رازهای

النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي مَكْتَبِنَا ^{۲۴}
 مردم برای رسوا و آن از گناهان بزرگ در مکتب ما
 کردن آنان

وَمِنْ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ. ^{۲۵}
 و از افلاق بد
 مفرد: «سبب» دلیل

وَالْغَيْبَةِ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ ^{۲۶}
 و غیبت و آن از مهم‌ترین دلایل قطع
 کردن

التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. ^{۲۶}
 ارتباط میان مردم

سَمَى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي ^{۲۷}
 نامید برخی مفسران سوره هجراتی که
 [در این‌ها: نامیدند]

جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ. ^{۲۷}
 آمده در آن این دو آیه به سوره اخلاق
 مفرد: «الْفُلُق» فوی



ترجمه

- ۱۷ آیه اول ما را پند و اندرز می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید.
 ۱۸ و آن‌ها را به لقب‌هایی که آن را ناپسند می‌دارند لقب ندهید.
 ۱۹ (چه) بد است (بد کاری است) کار آلوده شدن به گناه.
 ۲۰ و هر کس آن را انجام دهد، پس او از ستمگران است.
 ۲۱ پس خداوند متعال در این دو آیه حرام کرده است.
 ۲۲ ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن‌ها با نام‌های زشت [را]
 ۲۳ بدگمانی [را] و آن تهمت زدن شخصی به شخصی دیگر بدون دلیل منطقی.
 ۲۴ جاسوسی کردن [را] و آن کوششی زشت برای آشکار ساختن رازهای مردم برای رسوا کردن آنان است.
 ۲۵ و آن از گناهان بزرگ در مکتب ماست.
 ۲۶ و غیبت کردن [را] و آن از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.
 ۲۷ برخی از مفسران، سورة خُجرات را که این دو آیه در آن آمده است، سورة اخلاق نامیده‌اند.

قواعد

- ۱۷ تَنْصَحُنَا: تَنْصَحُ: فعل مضارع / فاعل آن «الآیة» / «نا»: مفعول [الآیة]: فاعل فعل «تَنْصَحُ» [الأولی]: صفت / لا تعیبوا: فعل نهی / جمع مذكر مخاطب / فاعل آن: ضمیر «واو» [الأخرین]: «اسم تفضیل - جمع مذكر» / مفعول فعل «لا تعیبوا»
 ۱۸ لا تَلْقَبُوهُمْ: [لا تَلْقَبُوا]: فعل نهی / فاعل آن: ضمیر «واو» / + هُمْ «مفعول» [بِالْقَابِ]: جار و مجرور
 یُکْرَهُونَهَا: یُکْرَهُونَ: فعل مضارع / فاعل آن: ضمیر «واو» / + هَا: «مفعول»
 ۲۰ هو: مبتدا [مِنَ الظَّالِمِينَ]: خبر (جار و مجرور)
 ۲۱ حَرَّمَ: فعل ماضی / مفرد مذكر غائب / باب تفعیل / فاعل آن: الله [فی هَاتَيْنِ]: جار و مجرور
 ۲۲ الإِسْتِهْزَاءُ: [مفعول فعل «حَرَّمَ»]: بِالْأَخْرَيْنِ: جار و مجرور [بِالْأَسْمَاءِ]: جار و مجرور [الْقَبِيحَةِ]: صفت
 ۲۳ هو: مبتدا [إِنَّهَامُ]: خبر [شَخْصٍ]: مضاف الیه [لِشَخْصٍ]: جار و مجرور [بدون]: جار و مجرور [دلیل]: مضاف الیه
 منطقی: صفت
 ۲۴ هو: مبتدا [مُحَاوَلَةٌ]: خبر [قَبِيحَةٌ]: صفت [لِکَشْفٍ]: جار و مجرور [أَسْرَارٍ]: مضاف الیه [النَّاسِ]: مضاف الیه
 لِفَضْحٍ: جار و مجرور [هم]: مضاف الیه
 ۲۵ هو: مبتدا [مِنْ کِبَائِرٍ]: خبر (جار و مجرور) [الدُّنُوبِ]: مضاف الیه [فی مکتب]: جار و مجرور [نا]: مضاف الیه /
 مِنَ الْأَخْلَاقِ: جار و مجرور [السَّيِّئَةِ]: صفت
 ۲۶ هی: مبتدا [مِنْ أَهَمِّ]: خبر (جار و مجرور) [أَسْبَابٍ]: مضاف الیه [قطع]: مضاف الیه [التَّوَاضُّلِ]: مضاف الیه [النَّاسِ]: مضاف الیه
 ۲۷ سَمَى: (فعل ماضی / فاعل آن: بَعْضُ) [المُفَسِّرِينَ]: مضاف الیه [سورة]: مفعول [الخُجرات]: مضاف الیه
 هَاتَانِ: [فاعل فعل «جَاءَتْ»]: فیها: جار و مجرور [یسورة]: جار و مجرور [الأخلاق]: مضاف الیه

عَسَى: شاید = رُبَمَا فُسُوق: آلوده شدن به گناه فَضَح: رسوا کردن قَدْ: گاهی، شاید (بر سر مضارع) «قَدْ يَكُونُ: گاهی می‌باشد» / بر سر فعل ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است. كِبَارُ: گناهان بزرگ «مفرد: كِبِيرَةٌ» كِرَةً: ناپسند داشت (مضارع: يَكْرَهُ) لَحْم: گوشت «جمع: لُحُوم» لَقَبَ: لقب داد (مضارع: يُلقِبُ) لَمَزَ: عیب گرفت (مضارع: يَلْمِزُ) مَيِّتَ: مُرَدَه = مَيِّت «جمع: أَمْوات، مَوْتَى» ≠ حَيَّ	تَسْمِيَّة: نام دادن، نامیدن (سَمَى / يُسمِّي) تَنَابُزُ بِالْأَلْقَابِ: به یکدیگر لقب های زشت دادن (تَنَابَزَ، يَتَنَابَزُ) تَوَّاب: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده تَوَّاصِلُ: ارتباط (تَوَّاصَلَ، يَتَوَّاصَلُ) حَرَّمَ: حرام کرد (مضارع: يُحَرِّمُ) خَفِيَ: پنهان ≠ ظاهر سَخِرَ مِنْ: مسخره کرد (مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سُخْرِيَّة) لا يَسْخَرُ: نباید مسخره کند عَابَ: عیب جویی کرد، عیب‌دار کرد (مضارع: يَعِيبُ) عُجِبَ: خودپسندی «تواضع» فُروتنی ≠	اتَّقَى: پروا کرد (مضارع: يَتَّقِي) اتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید إِنَّمَا: گناه = ذَنْبٌ استَهْزَأَ بِ: ریشخند کردن (استَهْزَأَ، يَسْتَهْزِئُ) إِغْتَابَ: غیبت کرد (مضارع: يَغْتَابُ) لا يَغْتَابُ: نباید غیبت کند أَنْ يَكُنَّ: که باشند (كانَ، يَكُونُ) أَنْ يَكُونَا: که باشند (كانَ، يَكُونُ) بَعْضُ ... يَكْدِيْگَر بُئْسَ: بد است = استَهْزَأَ بِ «ریشخند کردن» تاب: توبه کرد (مضارع: يَتُوبُ) لَمْ يَتُبْ: توبه نکرد تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد (مضارع: يَتَجَسَّسُ)
--	---	---

(عبارت) درست و نادرست را طبق متن درس مشخص کن.

طبق متن درس «بِسُورَةِ الْأَفْلَاقِ»

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ بِعُرْسِ الْقُرْآنِ.
 برخی مفسران سورة حجرات را عروس قرآن نام‌گذاری کرده‌اند (نامیده‌اند).
- حَرَّمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْاسْتِهْزَاءَ وَالْغِيْبَةَ فَقَطْ.
 خداوند در این دو آیه فقط ریشخند کردن و غیبت کردن را حرام کرده است.
- الْغِيْبَةُ هِيَ أَنْ تَذْكُرَ أَخَاكَ وَ أختَكَ بِمَا يَكْرَهُانِ.
 غیبت کردن همان است که برادر و خواهرت را به چیزی که (آن چه) ناپسند می‌شمارند، یاد کنی.
- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخِرِينَ.
 بی‌گمان خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند.
- الْسَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخِرِينَ أَمْرٌ جَمِيلٌ.
 تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیبا است.

طبق متن درس، فراوند متعال در سورة هجرات مواردی چون: [الاستهزاء بالآخرين، سوء الظن، التَّجَسُّس و الغيبة] را حرام کرده است.

نادرست است

اسم تفنیل

طبق متن درس «أمرٌ قبيح»

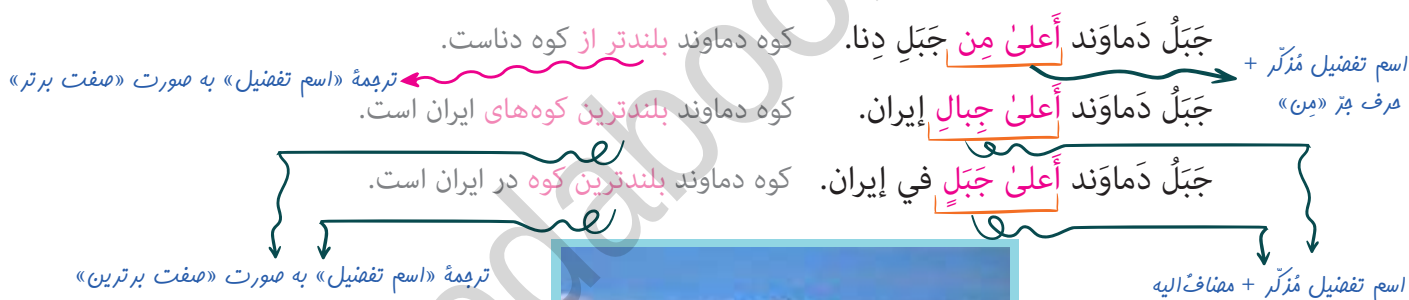
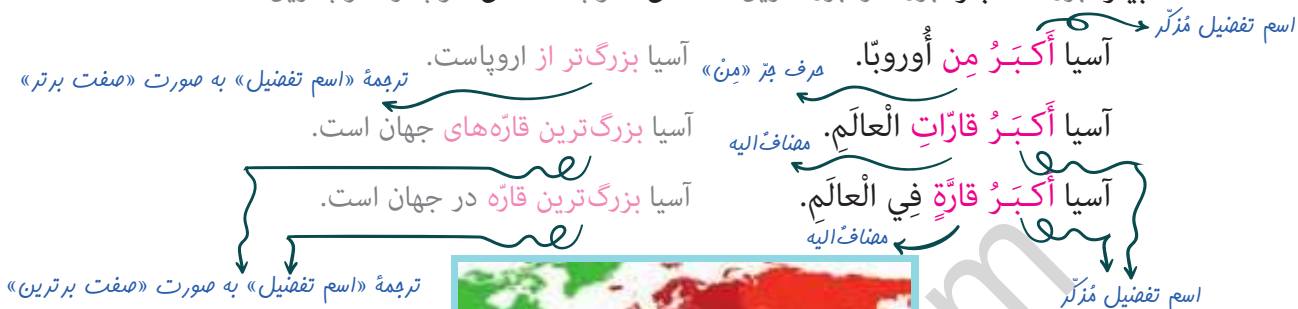
اعلموا

اسم التفضيل و اسم المكان

■ اسم تفضيل مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَل» است.

اسم تفضيل معادل «صفت برتر» و «صفت برترین» در زبان فارسی است؛ مثال:

گیر: بزرگ أَكْبَرُ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین حَسَن: خوب أَحْسَن: خوب‌تر، خوب‌ترین



أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مبتدا مضاف الیه مفعول مفعول به مفعول ثانٍ

أَكْبَرُ = أَكْثَرُ «کوچک‌ترین»

بزرگ‌ترین عیب آن است که [از کسی] عیبی بگیری که مانند آن در خودت هست.

ترجمه «اسم تفضيل» به صورت «صفت برترین»

در بخش درسنامه توضیح داده شده است.

گاهی وزن اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

بر وزن «أَفْعَلِ»
أَعْلَى: بلندتر، بلندترین

بر وزن «أَفْعَلِ»
أَعْلَى: گران‌تر، گران‌ترین

بر وزن «أَفْعَلِ»
أَحَبَّ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین

بر وزن «أَفْعَلِ»
أَقْلَّ: کمتر، کمترین

مؤنث اسم تفضیل بر وزن «فُعْلَى» می‌آید؛ مثال:

فَاطِمَةُ الْكُبْرَى: فاطمه بزرگ‌تر، زَيْنَبُ الصُّغْرَى: زینب کوچک‌تر

«اسم تفضیل» در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن «أَفْعَلِ» می‌آید؛

مثال: فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَب.

در بخش درسنامه توضیح داده شده است.



غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفَاعِلِ» است؛ مثال:

در بخش درسنامه توضیح داده شده است: إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (أَرَادِلُ جمع أَرْدَلٌ و أَفَاضِلُ جمع أَفْضَلُ است).

مفرد: أَرْدَلٌ مفرد: أَفْضَلُ

هرگاه فرمایگان فرمانروایی یابند، برترها هلاک می‌شوند. آ

هرگاه بعد از اسم تفضیل، حرف جرّ «مِنْ» بیاید (أَفْعَلُ مِنْ ...)، معنای «برتر»

«صفت برتر»

دارد؛ مثال:

هَذَا أَكْبَرُ مِنْ ذَاكَ. این از آن بزرگ‌تر است.

و هرگاه اسم تفضیل مضاف واقع شود، معنای «برترین» دارد؛ مثال:

سُورَةُ الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. سُورَةُ بَقَره بزرگ‌ترین سُوره در قرآن است.

مبتدا مضاف الیه خبر اسم تفضیل + مضاف الیه
ترجمه «اسم تفضیل» به صورت «صفت برتر»